

کاهش قابل توجه بارش در تهران

بر اساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران طی سال آبی (۱۴۰۴-۱۴۰۳) به‌طور میانگین ۱۴۴.۲ میلی متر بارش در استان داشتیم که نسبت به میانگین بلند مدت (۲۸۰.۴ میلی متر) ۱۳۶.۲ میلی متر کاهش را نشان می‌دهد. بر اساس آمار ثبت شده در ایستگاه‌های هواشناسی و اقلیم شناسی استان تهران طی هفته آخر منتهی به ۳۱ شهریور، به‌طور میانگین ۰.۹ میلی متر بارش در استان تهران داشتیم که نسبت به میانگین بلند مدت - که ۲.۴ میلی متر بود - ۱.۵ میلی متر کاهش را نشان می‌دهد. طی ماه آخر سال آبی گذشته، به‌طور میانگین ۱.۷ میلی متر بارش در استان تهران داشتیم که نسبت به میانگین بلند مدت - که ۷.۱ میلی متر بوده- ۵.۴ میلی متر کاهش یافته‌است. طی این سال، به‌طور میانگین ۱۴۴.۲ میلی متر بارش در استان تهران داشتیم که نسبت به میانگین بلند مدت ۲۸۰.۴ میلی متر بوده‌است. ۱۳۶.۲ میلی متر کاهش را نشان می‌دهد و نسبت به سال آبی وزرایی گذشته (۱۴۰۳-۱۴۰۲) که به‌طور میانگین ۲۴۰.۹ میلی متر بارش در استان داشتیم ۶۰.۷ میلی متر کاهش پیدا کرده‌است.

آتش‌نشانی تهران در لیست پنج آتش‌نشانی برتر جهان

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به برخی مطالبات جامعه آتش‌نشانان گفت: با وجود تصویب شغل آتش‌نشانی به‌عنوان شغل سخت در مجلس، این موضوع هنوز در خصوص آتش‌نشانان تهران اجرایی نشده‌است. انتظار می‌رود با دستور صریح، لایحه سختی کار آتش‌نشانان تهران و موضوع شهدات و ایثارگری آنان که با پیگیری شهردار تهران تهیه و به مجلس ارسال شده در مسیر تصویب قرار گیرد.
قدرت...
محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه این سازمان امروز در مسیر ۱۱ ساله خود فعالیت می‌کند، اظهارکرد: سازمان آتش‌نشانی تهران اکنون با ۱۳۸ ایستگاه فعال و ۵ هزار و ۶۰۰ آتش‌نشان به‌صورت شبانه‌روزی در خدمت مردم است. این در حالی است که پیش از انقلاب تنها ۱۸ ایستگاه و ۸۰۰ آتش‌نشان وجود داشت و توسعه عمده ایستگاه‌ها و نیروهایش از پیروزی انقلاب اسلامی رقم خورده‌است.
محمدی همچنین حضور ۱۶ بانوی آتش‌نشان در دوره مدیریت جدید شهری را «برگ زرینی در نقش آفرینی بانوان ایران» دانست و تصریح کرد: خدا را شاکرم که طی این سال‌ها دو باسعادت شهردار تهران، هر سال شاهد رویت‌رومایی از تجهیزات جدید تخصصی در سازمان بوده‌ایم.
بااین حال ناترازی تجهیزات انباشته از گذشته، ضرورت توجه ویژه به تأمین نیازهای کامل شهر تهران را دوچندان کرده‌است.
مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به نقش نیروهای این سازمان در بزنگاه‌های حساس و بحران‌ها تصریح کرد: حضور آتش‌نشانان همواره آرامش بخش برای مردم، مسئولان و سایر نیروهای امدادی بوده‌است. امروز توانسته‌ایم در تراز پنج کشور برتر آتش‌نشانی جهان قرار بگیریم که مایه افتخار ماست. اما خدمات سازمان محدود به تهران نبوده و در اقصای نقاط کشور، از مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده تا حران‌هایی نظیر حادثه ساختمان متروپل آبادان و حتی خدمت‌رسانی مرزهای شش‌گانه در ایام اربعین، حضور به‌هموقع و خدمت‌رسانی بی‌وقفه آتش‌نشانان ادامه داشته‌است.

افزایش فاصله بین تولد فرزندان اول و دوم

به گزارش مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال، میانگین فاصله زمانی بین تولد فرزندان اول و دوم مادر در سال ۱۴۰۳ به ۵.۹ سال رسیده‌است. براساس این گزارش در مقایسه با دهه‌های گذشته این آمار روند افزایشی داشته است به‌گونه‌ای که فاصله بین تولد نخستین و دومین فرزند مادر از ۳.۲ سال در دهه ۶۰ به ۳.۹ سال در دهه ۷۰، ۵.۲ سال در دهه ۸۰ و ۵.۵ سال در دهه ۹۰ افزایش یافته‌است.

اتباع غیر مجاز را بااین شماره گزارش دهید

سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی استانداری تهران از آغاز به کار سامانه تلفنی «۱۴۳۸» در استانداری تهران به منظور ارائه گزارشات درمی‌ی از حضور اتباع غیر مجاز در استان تهران خبر داد. سیدکمال سادات با اشاره به اینکه مرحله دوم طرح اتباع غیر مجاز در استان تهران آغاز شده و استانداری تهران پیگیر طرد و ساماندهی این افراد است، افزود: این سامانه ستاد خبری اتباع غیر مجاز است و پس از ارائه گزارش‌های مردمی کارگروهی به بررسی این گزارش‌ها خواهند پرداخت. وی افزود: استان تهران از اول مهر مرحله دوم طرح اتباع غیر مجاز را آغاز کرده و گزارش‌های مردمی به این سامانه در استان تهران به عنوان الگو است و پس از موفقیت این طرح، می‌توان آن را در سایر استان‌ها نیز راه‌اندازی کرد. به گفته وی، شهروندان می‌توانند از طریق سامانه ۱۴۳۸ کلونی‌ها و محل زندگی اتباع غیر مجاز را اطلاع‌رسانی کنند و پس از بررسی‌های صورت گرفته، نیروی انتظامی برای دستگیری این افراد اقدام می‌کند.

سه شنبه	
۰۸ • ۰۷ • ۱۴۰۴	
۰۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵	

آرمان ملی – شفق محمد حسینی: کودکانی که از شش سالگی با ورود به پیش‌دستانی، آماده حضور در دبستان می‌شوند، حال‌اقرار است که یک سال زودتر، وارد مدرسه و آغاز فعالیت‌های آموزشی شوند. اقدامی که سختگوی کمیسیون آموزش از عملی شدن آن خبر داده‌است، بدون اینکه دلایل لزوم این مساله را مطرح کرده باشد. مساله‌ای که به گفته کارشناسان آموزش باید دلایلش نیز بررسی شود.
سیستم آموزشی در مدارس ایران، در دهه‌های اخیر در جذب و افزایش شوق دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه، چندان موفق عمل نکرده‌است. به طوری‌که حتی اگر نگاهی به بچه‌مدرسه‌های اطراف خود بیندازید، از هر پنج کودک، حداقل سه‌تای آنها انگیزه لازم برای بازگشت دوباره به مدرسه و کلاس درس را ندارند.

سختگوی کمیسیون آموزش مجلس، از تصویب اجرای شدن پیش‌دستانی از سن ۵ سالگی خبر داده و گفته‌است: ساختار آموزشی کشور به تدریج از الگوی «۳-۳-۶» به «۳-۳-۵» هر چند دغدغه اصلی دانش‌آموزان و والدین آنها یک سال زودتر تمام شدن درس و مدرسه‌شان نیست، اما احسان عظیمی‌راد، سختگوی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی گفته‌است: براساس مصوبه کمیسیون، سن لازم برای ورود به آموزش رسمی از ۶ سال به ۵ سال کاهش می‌یابد و دوره پیش‌دستانی در این سن به‌صورت اجباری برگزار خواهد شد. به این ترتیب، نظام آموزشی کشور که هم‌اکنون به شکل «۳-۳-۶» اجرامی‌شود، به‌تدریج به ساختار «۳-۲-۵-۱» تغییر خواهد یافت و در عوض یکسال زودتر تحصیلات به‌انجام می‌رسد. سختگوی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی در ادامه گفت: طبق این تغییر، کودکان از ۵ سالگی وارد دوره پیش‌دستانی می‌شوند و سپس تحصیل رسمی خود را از پایه اول تا پنجم ابتدایی آغاز می‌کنند. همچنین ظرفیت قانونی برای ایجاد دوره «پیش یک» نیز پیش‌بینی شده‌است تا در صورت ضرورت، سازمان تعلیم و تربیت بتواند آن را اجرا و در واقع نظام آموزش و پرورش کشور بعد از تصویب قانون به‌نظام «۳-۲-۵-۱» تبدیل خواهد شد.

تجربه متفاوت جهانی

محمدرضانیک‌نژاد، کارشناس آموزش، درباره کاهش سن ورود به مدرسه، به «آرمان ملی» گفت: ابتدا باید این مساله را ریشه‌یابی کرد، که به چه دلیل این اقدام صورت گرفته‌است. تجربه‌های با وجود وعده حمایت ویژه، بیماران تالاسمی هنوز با نبود پوشش بیمه‌ای کافی، کمبود مراکز درمانی و عدم دسترسی به پزشکان متخصص مواجه‌اند و بسیاری مجبورند برای دریافت درمان به سفرهای پرهزینه روی بیاورند. به گزارش ایلنا، تالاسمی در دریف بیماری‌های خاص قرار دارد؛ بیماری‌ای که باید بیماران‌اش از حمایت‌های ویژه دارویی و درمانی برخوردار باشند. اما واقعیت میدانی چیز دیگری است. در حالی‌که انتظار می‌رود این بیماران مسیر درمانی مشخص و بدون دغدغه‌ای را طی کنند، روایت‌هایشان نشان می‌دهد که همچنان با مشکلات جدی روبه‌رو هستند؛ مشکلاتی که از کمبود خون در مراکز درمانی آغاز می‌شود و تا نایاب شدن داروهای حیاتی، هزینه‌های کمرشکن آزمایش‌ها و نبود دسترسی به پزشک متخصص ادامه پیدا می‌کند. برای بررسی دقیق‌تر این وضعیت، ایلنا با بیماران تالاسمی در چند استان مختلف از جمله تهران، هرمگان و سیستان و بلوچستان گفت‌وگو کرده‌است؛ گفت‌وگوهایی که تصویر روشنی از فاصله بین آنچه به‌عنوان «حمایت ویژه» تعریف شده و آنچه بیماران در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، ترسیم می‌کند. این گزارش تاشی‌است برای بازتاب صدای بیماران و نشان دادن اینکه در عمل، شرایط درمان و داروی یکی از مهم‌ترین گروه‌های بیماران خاص کشور چگونه‌سیری می‌شود. سارا، یکی از بیماران تالاسمی از تهران در گفت‌وگو با ایلنا از دشواری‌های دریافت دارو و خدمات درمانی سخن گفت. او که ۴۷ سال دارد و از یک‌سالگی تحت درمان تالاسمی بوده‌است، توضیح داد که علاوه بر تزریق خون، به داروهای مکمل آهن دنا‌زینا دارد؛ داروهایی که در دوشکل تزریقی و خوراکی عرضه می‌شوند. به گفته او در حال حاضر بیماران برای تهیه داروهای برند اصلی نظیر «دسفال» و «جیدنیو» باید هزینه‌های سنگینی متحمل شوند. با وجود بیمه پایه، ماهانه حدود دو میلیون تومان باید برای این داروها پرداخت کند؛ مبلغی که بسیاری از بیماران توان تأمین آن را ندارند.

کیفیت پایین داروهای ایرانی

او همچنین به کیفیت پایین داروهای ایرانی اشاره کرد و گفت به دلیل کمبود و هزینه بالای داروهای خارجی، ناچار به مصرف نمونه‌های داخلی شده که تأثیرگذاری مطلوبی ندارند. این بیمار از خودتوزیع دارو نیز گلایه داشت و افزود: داروخانه‌ها معمولاً مقدار محدودی دارو عرضه می‌کنند و بیماران ناچارند ساعت‌ها و حتی روزها برای یافتن دارو در سطح شهر جست‌وجو کنند. مشکلات بیماران تالاسمی تنها به دارو محدود نمی‌شود. این بیمار یادآور شد که مکمل‌های ضروری مانند کلسیم و ویتامین بی۱۲ نیز تحت پوشش بیمه قرار ندارند، در حالی‌که برای مبتلایان تالاسمی جنبه درمانی دارند. او تأکید کرد که برخی از بیماران به‌دلیل هزینه‌های بالا ناچار به ترک با ناقص انجام دادن درمان شده‌اند. به گفته او، چالش‌ها در بخش خدمات تشخیصی و آزمایشگاهی نیز ادامه دارد.

«آرمان ملی» از کاهش سن ورود به مدرسه گزارش می‌دهد

کاهش سن ورود به مدرسه الزامی است؟



جهانی درباره شروع آموزش در کودکان متفاوت است. در برخی از ایالت‌های آمریکا و برخی کشورهای اروپایی از جمله تعدادی از کشورهای اسکندنیای، آموزش‌های پیش از مدرسه برای آنها حتی به دو سال هم می‌رسد. البته این شامل آموزش‌های رسمی و سوادآموزی نمی‌شود، فقط حضور بچه در فضاهای آموزشی و آموزش‌های غیررسمی. کمک به رشد اجتماعی آنها کمک به نیازهای فردی و جمعی، مهارت‌افزایی در صحبت کردن و رشد جسمی و حرکتی، مهارت تحمل و ارتباط با دیگران از سنین کم آغاز می‌شود. در ایران هم در مراحل پیش‌دستانی و برخی از مراکز مهدکودک‌ها، این مهارت‌آموزی‌ها تا اندازه‌ای انجام می‌گیرد. البته این جداز آموزش‌های ایدئولوژیک است، که تا اندازه‌ای برای بچه‌ها والدین‌شان آزاد رهنده‌است. این کارشناس آموزش درباره هدف سیاست‌گذاران از این اقدام، افزود: عموماً ساختار سیاسی از تربیت شهروندانی که در چارچوب خودش قرار دارد، ناامید شده‌است. سبک زندگی کودکان، از دانش‌آموزان حتی در پایه‌های دبستان، با سبک مورد نظر ساختار سیاسی زاویه دارند. به‌نظرمن گمان می‌کنند که اگر روند آموزش را زودتر آغاز کنند، بهتر می‌توانند روی کودکان اثرگذار باشند. غافل از اینکه این ساختار آموزشی است که وقتی کودکان واردش می‌شوند، از آموزش و به‌خصوص از آموزه‌های ایدئولوژیکی که مورد نظر دست‌اندرکاران است، دلرده می‌شوند. هر حکومتی تلاش بر این است که شهروندانش را از طریق ساختار آموزشی، آن مواردی را که مورد نظرش است، در ذهنشان تلقین کند. آموزه‌های ایدئولوژیک و شکل

دانش‌آموزان از سیستم‌های آموزشی افزود: باید بازبینی کنند که روش انتقال خواسته‌های ایدئولوژیک در نظام آموزشی، چه مشکلی دارد که این کودکان را از مدرسه دلزده و گریزان می‌کند. این دلزدگی هم از آموزه‌های ایدئولوژیک و هم از آموزش وجود دارد. در اغلب مدارس متأسفانه حتی تحمل شادی دانش‌آموزان در حیات مدرسه راهم ندارند.

همین چندروز قبل فیلمی را می‌دیدم که دانش‌آموزان در کپکلیوپه و بویراحمد، در حیات مدرسه نشسته بودند و موسیقی پخش می‌شد و دانش‌آموزان دستمال‌هایی را بالای سرشان حرکت می‌دادند، که یادآور برخورد شد. این همه حساسیت برای چیست؟ خب مشخص‌است که آن دانش‌آموزان والدینشان دوست ندارند کودکان‌شان در چنین فضایی رشدکنند و به‌مدرسه بروند. اما از روی ناچاری آنها را ثبت‌نام می‌کنند. وقتی از کوچک‌ترین فضای شاد در مدارس دریغ می‌شود، مشخص‌است که کودکان دلزده می‌شوند. همین سبب فراری شدن دانش‌آموزان از مدرسه می‌شود.

برون سپاری به خانواده‌ها

نیک‌نژاد با اشاره به اینکه نقش خانواده‌ها در آموزش پررنگ‌تر شده‌است، بیان کرد: آموزش پرورش در دوسه دهه گذشته، آرام آرام به خانواده‌ها برون سپاری شده‌است. آموزش را برای خانواده‌ها شخصی‌سازی کرده‌اند. یعنی خانواده‌ها‌صورتو می‌کنند. آموزش کودکان وظیفه خودشان است. درصورتی‌که دولت‌های مدرن و دولت‌های رفاه، دو مساله را نمی‌توان و وظایف ذاتی آنها جداکرد، یکی آموزش و یکی درمان. تنها هزینه‌ای که آموزش و پرورش می‌کند، به‌گفته خودوزرای آموزش و پرورش پیشین، این است که ۹۸ درصد بودجه آموزش و پرورش فقط صرف پرداخت حقوق می‌شود. آن‌هم حقوقی که هر معلمی از این دریافتی رضایت ندارد. یعنی دودرصد برای باقی مسائل می‌ماند، به نوعی مدرسه خودگردان شده‌است.

مدیر فقط مسئول جمع‌آوری پول است و به عنوان یک رهبر آموزشی اصلاً در مدرسه کارایی ندارد. حالا باید وضعیت، مدارس به سمت کیفیت زندگی ناشنوایان را ارتقای دهد، بلکه جامعه را به سمت برابری، عدالت و تنوع فرهنگی بیشتر هدایت می‌کند. او در پاسخ به سوالی درخصوص تجارب سایر کشورها،ز به رسمیت شناختن زبان‌اشاره، نیز اینطور توضیح داد: تجربه‌شورهای مختلف نشان می‌دهد رسمیت بخشیدن به زبان‌اشاره، عملی و موفقیت‌آمیز است. کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایلند، مالتی، سنگاپور، آذربایجان، ترکیه، روسیه، فرانسه، آلمان، فنلاند، هلند، اتریش، آفریقا جنوبی، کنیا، اوگاندا، زیمبابوه، مصر، آرژانتین، برزیل، شیلی، کمبیا، کاستاریکا، کانادا، زبان‌اشاره را به رسمیت شناخته‌اند و تجربه این کشورها نشان می‌دهد که با تصویب قوانین شفاف، تربیت مترجمان حرفه‌ای، تخصیص بودجه مناسب و آموزش عمومی جامعه، می‌توان زبان‌اشاره را از وضعیت محدود و پراکنده به جایگاه رسمی و دسترس‌پذیر برای همه ناشنوایان ارتقا داد. این نمونه‌ها می‌توانند الگوی عملی و الهام‌بخش برای گام‌های قانونی و اجرایی در ایران باشند. علاوه بر نمونه‌های بین‌المللی، در پنج کشور اسلامی نیز زبان‌اشاره به رسمیت شناخته شده‌است که

میداوریم به زودی در ایران نیز به‌عنوان یک کشور اسلامی زبان‌اشاره ایرانی را به رسمیت شناخته و جایگاه آن را در جامعه و قوانین حقوق ثبتی کند. وی در همین راستا نیز برای موفقیت در زمینه حقوق ناشنوایان و رسمیت زبان‌اشاره ایرانی به فعالان اجتماعی توصیه کرد که چند راهبرد کلیدی را دنبال کنند: شبکه‌سازی و همکاری با شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد افراد دارای معلولیت شنوایی، تدوین مستندات فنی برای ارائه به قانون‌گذاران، اجرای پروژه‌های آموزشی و خدماتی، و تولید محتوای رسانه‌ای گسترده برای افزایش آگاهی عمومی. علاوه بر این استفاده از تجربه کشورهای دیگر و تبادل دانش بین‌المللی می‌تواند روند موفقیت جامعه‌شنوا و نهادهای دولتی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق حقوق ناشنوایان و ارتقای جایگاه زبان‌اشاره دارد.

به بیماران می‌دهد و حتی مواردی دیده شده که دارو در حالی‌که در انبار موجود بوده، به بیماران اعلام «اتمام موجودی» شده‌است. او گفت: «بیماران دارو رانی‌توانند در داروخانه پیداکنند، اما همان دارو به راحتی در دست دلالاتی اطراف داروخانه‌ها فروخته می‌شود. حتی داروهایی که تاریخ مصرفشان در حال پایان است، به‌تازگی در سطح کشور توزیع شده‌اند.» به اعتقاد این بیمار، چنین وضعیتی ناشی از سوءمدیریت در سازمان غذا و دارو و شرکت‌های دارویی است، نه‌صرفاً تحریم‌ها. در پایان او درباره هزینه‌های شخصی‌اش توضیح داد: «در گذشته تقریباً همه خدمات درمانی رایگان بود، اما اکنون من به‌طور ماهانه میلیون‌ها تومان بابت داروهای این‌رد، مکمل‌ها، تست‌های استانداردهای جهانی که بین ۱۵ تا۲۰ نفر است

و حتی ماهانه‌های مرتبط با عوارض تالاسمی هزینه می‌کنم.»

هزینه ۱۸ میلیون تومانی هر آمبول

وی گفت تنها هزینه داروهای حیاتی او طی ماه‌های اخیر حدود دو میلیون تومان بوده و هزینه آزمایش‌های دوره‌ای بین چهار تا شش میلیون تومان در هر نوبت برآورد می‌شود. مکمل‌ها و تجهیزات جانبی نیز ماهانه سه تا چهار میلیون تومان بار مالی دارند. به گفته او، در صورت نیاز به داروهای خاص مانند «پروپلا» برای پوکی استخوان، هر آمبول می‌تواند تا ۱۸ میلیون تومان هزینه داشته باشد. او تأکید کرد که این هزینه‌ها برای بیماران شاغل هم کمرشکن است، چه رسد به خانواده‌هایی که چند عضو مبتلا به تالاسمی دارند. به باور او، نبود مراکز تخصصی مجهز برای بزرگسالان، پوشش ناکافی بیمه‌ای و آشفته‌گی در نظام توزیع دارو، جان بیماران تالاسمی را هر روز در معرض خطر قرار داده‌است. محسن یکی دیگر از بیماران تالاسمی که در بندرعباس زندگی می‌کند، در گفت‌وگویی با خبرنگار ایلنا از مشکلات گسترده بیماران این استان سخن گفت. او توضیح داد: نبود پزشک فوق تخصص خون و کمبود مراکز درمانی مجهز، بیماران را با دشواری‌های جدی روبه‌رو کرده‌است. به گفته این بیمار، در استان هرمزگان تنها دو فوق تخصص خون حضور دارند و بیماران ناچارند برای پیگیری درمان‌های تخصصی یا انجام آزمایش‌های مهم به شیراز یا تهران سفر کنند. این امر نه‌تنها هزینه‌های سنگینی به خانواده‌ها تحمیل می‌کند، بلکه روند درمان را هم به تعویق می‌اندازد. او افزود: گاهی بیماران در نوبت‌های طولانی قمار می‌گیرند و مجبور می‌شوند برای انجام آزمایش‌ها به مراکز خصوصی بروند. در چنین شرایطی هزینه یک آزمایش ساده می‌تواند به ۶ تا ۱۲ میلیون تومان برسد؛ در حالی‌که بسیاری بیمه تکمیلی ندارند و با بیمه سلامت باید آزاد پرداخت کنند.» او یادآور شد که هزینه درمان برای یک بیمار تالاسمی در جنوب کشور ماهانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان برآورد می‌شود؛ رقمی که شامل داروهای اصلی، مکمل‌ها، ویتامین‌ها و هزینه‌های رفت وآمد به مراکز درمانی است. به گفته او، بخش عمده بیماران توانایی پرداخت چنین مبالغی را ندارند و در نتیجه ناچار به توقف یا ناقص انجام دادن درمان می‌شوند.

اجتماعی

گزارش

ضرورت تصویب قانون رسمی برای زبان‌اشاره

رئیس هیات‌مدیره شبکه ملی تشکل‌های مردم نهاد افراد دارای معلولیت شنوایی ضمن تأکید بر ضرورت به رسمیت شناختن زبان‌اشاره ایرانی در کشور، گفت: با تصویب قوانین شفاف، تربیت مترجمان حرفه‌ای، تخصیص بودجه مناسب و آموزش عمومی جامعه، می‌توان زبان‌اشاره را از وضعیت محدود و پراکنده به جایگاه رسمی و دسترس‌پذیر برای همه ناشنوایان ارتقا داد. خلیل رحیمی در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن گرامی‌داشت هفته ناشنوایان، بر اهمیت زبان‌اشاره و نقش حیاتی زبان‌اشاره ایرانی در ارتقای حقوق ناشنوایان تأکید کرد و گفت: زبان‌اشاره نه تنها ابزاری ارتباطی، بلکه بخشی از هویت فرهنگی جامعه ناشنوایان است که دسترسی برابر به خدمات آموزشی، درمانی، حقوقی و اجتماعی بدون به رسمیت شناختن و تقویت زبان‌اشاره ممکن نیست. وی ادامه داد: با وجود اقدامات انجام شده طی پنج سال اخیر برای آموزش و تربیت مترجم و مدرس زبان‌اشاره، نبود بودجه رسمی و ثبت شغل مترجم زبان‌اشاره در سازمان برنامه و بودجه، چالش مهمی برای توسعه پایدار این حوزه‌است. رئیس هیات‌مدیره شبکه ملی تشکل‌های مردم نهاد افراد دارای معلولیت شنوایی در ادامه بر ضرورت تصویب قانونی رسمی برای زبان‌اشاره ایرانی، ایجاد نظام استاندارد صدور گواهی مترجمان و مدرسان، بودجه‌گذاری پایدار و الزام دستگاه‌های دولتی به تأمین خدمات مترجمی تأکید کرد و گفت: «این اقدامات باعث تقویت هویت فرهنگی جامعه ناشنوایان، کاهش تبعیض و ارتقای مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی، آموزشی، درمانی و شغلی خواهد شد. این درحالیست که خلأقانونی موجود در ایران باعث شده زبان‌اشاره ایرانی به عنوان زبان رسمی ناشنوایان در قوانین ملی به رسمیت شناخته نشود. از همین رو، رحیمی خواستار تصویب قانون ملی رسمیت زبان‌اشاره ایرانی و تخصیص بودجه مشخص برای آموزش و خدمات مترجمی شد تا حقوق شهروندی ناشنوایان به طور واقعی و برابر تحقق یابد و معتقد است که زبان‌اشاره کلید رفع موانع ارتباطی ناشنوایان است و تضمین می‌کند آنان بتوانند بدون تبعیض در جامعه حضور فعال و برابر داشته باشند. وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو، با اشاره به تأثیر به رسمیت شناختن زبان‌اشاره، خاطرنشان کرد: وقتی جامعه زبان‌اشاره را به رسمیت بشناسد، در واقع گامی اساسی برای برابری حقوقی، کاهش تبعیض و مشارکت کامل ناشنوایان در زندگی اجتماعی برمی‌دارد. همچنین، رسمیت یافتن زبان‌اشاره حس هویت و عزت نفس ناشنوایان را تقویت می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند. از سوی دیگر، این اقدام برای کل جامعه سودمند است، فرهنگ کشور غنی‌تر و چندزبان‌تر می‌شود و تعامل میان افراد شنوا و ناشنوا بهبود می‌یابد. رسانه‌ها و نهادهای آموزشی می‌توانند خدمات و برنامه‌های خود از مترجم زبان‌اشاره استفاده کنند و این خود باعث افزایش آگاهی عمومی و کاهش تبعیض می‌شود. به عبارتی، رسمی شدن زبان‌اشاره نه تنها حقوق و کیفیت زندگی ناشنوایان را ارتقای دهد، بلکه جامعه را به سمت برابری، عدالت و تنوع فرهنگی بیشتر هدایت می‌کند. او در پاسخ به سوالی درخصوص تجارب سایر کشورها،ز به رسمیت شناختن زبان‌اشاره، نیز اینطور توضیح داد: تجربه‌شورهای مختلف نشان می‌دهد رسمیت بخشیدن به زبان‌اشاره، عملی و موفقیت‌آمیز است. کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایلند، مالتی، سنگاپور، آذربایجان، ترکیه، روسیه، فرانسه، آلمان، فنلاند، هلند، اتریش، آفریقا جنوبی، کنیا، اوگاندا، زیمبابوه، مصر، آرژانتین، برزیل، شیلی، کمبیا، کاستاریکا، کانادا، زبان‌اشاره را به رسمیت شناخته‌اند و تجربه این کشورها نشان می‌دهد که با تصویب قوانین شفاف، تربیت مترجمان حرفه‌ای، تخصیص بودجه مناسب و آموزش عمومی جامعه، می‌توان زبان‌اشاره را از وضعیت محدود و پراکنده به جایگاه رسمی و دسترس‌پذیر برای همه ناشنوایان ارتقا داد. این نمونه‌ها می‌توانند الگوی عملی و الهام‌بخش برای گام‌های قانونی و اجرایی در ایران باشند. علاوه بر نمونه‌های بین‌المللی، در پنج کشور اسلامی نیز زبان‌اشاره به رسمیت شناخته شده‌است که

روی خط آرمان ملی

موتورسوار

از مسئولان راهنمایی و رانندگی تقاضا داریم که برای موتورسوارها جریمه‌های سنگینی تعیین کنند که لااقل با این جریمه‌های سنگین از ارتکاب تخلف در اتوبان‌ها و جاده‌ها بپرهیز کنند.

محمدزاده از تهران

روپوش مدارس

چرا مدارس تهران رنگ‌های روپوش‌ها را هر سال تغییر می‌دهند و قیمت این روپوش‌ها خیلی گران است. کسانی که از لحاظ مالی در سطح پایین هستند چطور با این قیمت‌های سنگین برای بچه‌های خود می‌توانند این روپوش‌ها را خریداری کنند.

صاحبی از تهران

کرایه خانه

با این‌که اعلام می‌شود که قیمت مسکن و اجاره‌بها پایین آمده‌است ولی وقتی به بنگاه‌ها که مراجعه می‌کنیم با قیمت‌های سرسام‌آور مواجه می‌شویم. مسئول این همه گرانی کیست؟

شاگرد کرج